

## اعلامیه سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان بمناسبت روز شهیدان

برخاک افتاده اند یاد همه آنها جاودانگار است. یاد آنها فقط برانگیزنده امواج اند و نیست بلکه گستراننده در ریاسی امید است. یاد آنها یاد آرزوی پیوسته و مبارزه خستگی است، گرامر استین این حقیقت است که خلق مغلوب شدن نیست شکست پیروز است. سرزمین میخورد، گلزار باران میشود، کشته میسار میدهد، خون بید ریخ نثار میکند، ولی از یاد رنی آید و هرگز مبارزه را در مرحله ای عالی تر و بیانی پیوسته سبک نکرده است و آنفکولوگه آخر انشلیک میکند و در پی پیروزی نهایی را بر سر افرازد اوست.

در استان اسبق ارتش کاهنم ایران لقب گرفت در سال ۱۳۳۸ احقانه و بیشرانه در اعلامیه آمد ام یکی از شهیدان نوشته بود: " اینها باید بمیرند تا سلطنت محمد رضا با همه پهلوی محفوظ بماند." این اعتراف بود بر اینکه زندگی ملت ایران در مرگ سلطنت محمد رضا شاه است، دولت ایران بد رستی آثار دریافت. جالب توجه است که هر چه از تاریخ ۴۸ مرداد ۱۳۳۲ در دستر میشود و در روز سال های اخیر تعداد شهیدان افزایش می یابد.

تاریخ بیست ساله اخیر ایران جنبشی بوسعت جنبش های غربی ۱۳۴۲ با آن همه قربانی بیادند ارد. چینه های اعدا ایشکرها محمد رضا شاه می چکا مانند از سالها و ماههای اخیر از شهیدان پذیرای نکرده است. این امر نشان دهنده مبارزه است و گواهی سراسیمگی رژیم است که تکفیکار دیگری جز سرنیزه اند، مظهر اراده خالق است که روز بروز راه اهرار آمیز مبارزه هم ترمیم میشود.

شهیدان محمد رضا شاه منحصر به طبقه و قشر خاصی نیستند، کارگر، دهقان، روشنفکر، معلم، پزشک، دانشجو، دانش آموز، کارمند، پیشور، حقوقدان، کاسبکار، بقیه در صفحه ۲

**خون های تازه شهیدان**  
خورشید های روشن برهان اند روزگارانی (۱۴ بهمن ۱۳۱۸) روزیاد کرد همه شهیدان است. روز شهیدان بنام ارانی افتتاح میشود زیرا کارانی سر سلسله راگشایان مبارزه بر ضد سلسله پهلوی است که رخشاترین چهره های است که در دوران پس از انقلاب مشروطیت و کودتای اسفند ۲۹۹۹ در عهد تشییع موقت ارتجاع ایران، در حوضه قدرت فاشیسم جهانی، در قفس بیگاری برافراشت، بر تو مارکسیسم لنینیسم را بر ایران افکند، بهی ریزی حزب طبقه کارگر ایران در سبب زد، "نیروی ملی" و آفرینگی در نجبران را ستود، رژیم پلیسی را بر سر آورد، در سیمای تپکبار فاشیسم را کسر مشق حکومت رضا شاه بود نشان داد، از زندان و شکنجه و مرگ نهراسید و جان بر سر آمان خلق نهاد، زانی در محکمه رضا خانی گفت: " قانون اساسی ایران محصول انقلاب خونین این ملت است که برای تحصیل آن در هر گوشه از خون جوانان وطن لاله میدهد بود، هزاران نفوس جهت تحصیل این چند ماده قانون قربانی شد. . . . و باید بهمان ترتیب که تحصیل شده کامل گردد." در واقع ارانی در آن روز در سی و چند سال پیش، بهر روزیونست ها که میبایخ امسالت آژیند با سخ گفت و با صهارت مارکسیست - لنینیستی پیش بینی کرد که انقلاب آید و ایران نیز از خون جوانان وطن آبیاری خواهد شد. آنچه از انسی آموخت و عمل کرد، الهام بخش نسل معاصر انقلابی است.

از روزگار ارانی تا امروز تعداد شهیدان سلسله پهلوی شمارش پذیر نیست. ده ها هزار مبارزان را در هنگام در اعتراضات کارگری در شهرهای دهقانی، در نمایش های دانشجویی، در دستگیرها ارتش پلیس و سازمان امنیت، در بیفوله های قتل قلع و عویاغ صهران و لشکر زری، در برابری های اعدا ام، در نبرد سلحانه

### تظاهر بمخالفت با رژیم بخطا طرفی ساداری از آن

ستایشگران رژیم شاه کاندید؟ نخست گروهی از روشنفکران خود فروخته و رفاقت نیکو که آشکارا روی پرده سیاست از دستم و ستگری و سیاست و تقوی و ریشانی مرد مواست مینهنی پر از از سد زبان و ظم خود را با خطا طرفی و مقام ر اختیار یار در خیم خلق های ایران میگردد و در هر من رافرتی و سیاه را سفید میخوانند. این گسروه آبرویا خترا هم میشتانند، آنها خود ما هیت خیانکار خوشش را عرضه میدارند، هر چه پیش بگویند و پیش بنویسند بر کوس برسواسی خود پیش میگویند. آخر چگونه میتوان در مرحله شهیدان در خیم رافرتی بخوانند؟ و صب و لهن بر مراب خود نخرید؟

گروه د لا لان ایرانی امیرالیم شوروی همان نقش نیکوخواه هارا بازی میکند منتها آن را در زیر پرده های آزریا و تزویر و رفاقه و فاع از تود های مرد، در رشت الفاظ و عبارات گویش فریبند، میوشانند آنها آرایش شاه، برزیوی، حفظ و حراست شاه، رژیم وی را بشیوه دیگری انجام میدهند، مسئولیت ناپسمانی کشور و مراد برودش شاه را دکرند و رژیم کنونی است، بلکه برودش مسئولین درجه دوم و سوم بگردند. گویا شاه از آنچند رسلطت میگردد و بیخبر است و این مسئولین امرانند که گویا " نیات ملوکانه را بد رستی نمی فینند، امور کشور را به پریشانی سوق میدهند، بر مردم دستور میدارند. در " رادیوی بیگ ایران" در رطم و طبات این گروه نامی از شاه برده نیستو گویا اساسا مسئولیتی متوجه و نیست. آنها با این شیوه میگویند توجه مردم را از سبب اصلی کینه خیانات و خیانت ها برگردانند و در پیروان شاه هالهای از قدس بکشند.

### از مدیترانه به خلیج فارس

بر میگردانند. امیرالیمت ها برای آنکه در صورت لزوم زلوله های نفت مدیترانه بی نیاز باشند افزایش میزان حمل نفت از طریق خلیج فارس را در نقشه خویش وارد کردند. سابقا نفت ایران از آبادان حمل میشد ولی چون وضع طبیعی ارتد زود برای بازیگری کشتی های بزرگ مناسب نیست امیرالیمت ها با خارج گزافی کرد آخرین مرحله حساب دولت ایران نوشته میشود اسکله عظیم خارک را ساختند. نفت آبادان و بندر عسور وسیله لولها از کساران و از کان بندر گنا و بوسه جزیره خارک میسر در آنجا با کشتی های با نصد هزار تنی به زاین و اروپا و سایر نقاط حمل میشود. تا وقتی که جزیره خارک مورد استفاد امیرالیمت ها نبود اشرفی از آبادان نشاندند و زندانیان سیاسی که برای مرگ تد رنجی بد انجام فرستاد میشدند از سبزی و میوه و گوشت از در اروپا شدت و بیژنک و آرمیانی که از لهنیب خورشید بگاهد محروم بودند در جراج شهباشان ساحل فسفری خارک بود. ولی همینکه منافع امیرالیمت ها اکتفا کرد خارک بصورت کارخانه عظیم صنعتی درآمد تا کشتی های تکرار یکر امیرالیمت هارا از خون و ثروت خلق ماسیراب کند. جزیره خارک که با تا سیاست خود گوشه ای از خاک کشورهای شریول امیرالیمت را بیاد می آورد و بندر ریگ که در همسایگی او با کبدهای فروریخته، جاهای خشک و بخلستان بیمار و نزار، مردمان گرسنه و برهنه در آرزوی آبادانی میسوزند، هر در محصول سیاست واحدی هستند، و در طرف یک عدالاند. در کشور استعمار زده، ما هر چه هست و نیست بخاطر امیرالیمت هاست محمد رضاشاه ما را با لاف و زکراف بسیار از تا سیاست جزیره خارک و کشتی های با نصد هزار تنی آن صحبت کرد ما ت ولی همسید انشدند که خارک جزایر یا گاه از همان امیرالیمت چیزی بگریز نیست. های امیرالیمت ها امید دارند که با استفاده از تا سیاست خارک از لوله نفتی مدیترانه و نفت مدیترانه مدنی بی نیاز گردند. هم کسور ۴۰ درصد نفت صرفی زاین و اروپا از خلیج فارس میگردد و در چند سال آید میزان مد کوره ۷۰ درصد خواهد رسید. نویسنده روزنامه لولوند بد رستی اظهار نظر بقیه در صفحه ۲

در رسال های اخیر حوزه مدیترانه برای انحصارهای نفتی امیرالیمت بصورت منطقه نامن و نامطلوب در آمده است. دولت الجزیره و دولت لیبی در مبارزه با کمانی ها در راس دولت صاحب نفت قرار دارند. ملی کردن شرکت های نفت و مبارزه شدیدی با سیاست امیرالیمت با بازی باقیمت ها که الجزیره و لیبی در پیش گرفته اند، منافع امیرالیمت هارا بریزد و حوزه مدیترانه سخت به خطر انداخته است. از طرف دیگر لوله های عظیمی که نفت عراق و عربستان سعودی را به مدیترانه تحویل میدهند از شدت و گسوه کشورهای متعدد در این، مانند لبنان، اردن، و سوریه میگردد و هر لحظه از آتش خشم و طغیان خلق های ضد امیرالیمت این کشورها در معرض تهدید است. انحصارهای نفتی از اینکمرخی از دولت عربی برای لوله های نفتی از خاک خویش حقوق بیشتری مطالبه میکنند بر آشفته اند. همه این عوامل باعث شده است که از حوزه مدیترانه گریزان گردند.

امیرالیمت ها به نظر خوشی کردن ضربات دولت الجزیره و لیبی و اخترا از خطرانی کلوله های نفت را تهدید میکند از حوزه مدیترانه حوزه خلیج فارس روی آوردند. خلیج فارس بدیتر قرارگاه امیرالیمت هاست و ناخبرتی آن از هم مجابیت و بیخبر خارج استخراج اشرا هم مجاب است. ساحل شمالی خلیج فارس در دست یکی از کارگران و فارا استعمار است که با کورتای نظامی ۱۹ میلیون دلار و یک آدم کشان سازمان امنیت برابر میگردد. نخست است و میباید با منافع امیرالیمت ها باشد. افزایش میزان استخراج نفت ایران که هر بار با صحنه های ساختنی و جنگ زرگری محمد رضاشاه و انحصارهای نفتی صورت گرفت بخشی از نقشه های امیرالیمت ها بود که میخواستند بر خاک نفت استخراجی خویش بیفزایند تا در موقع خود بتوانند در برابر قطع نفت الجزیره و لیبی سایر کشورهای اردن و نفت آما کی داشته باشند. در واقع نفت ایران (سالیانه بیش از ۱۹ میلیون تن) در دست امیرالیمت ها بصورت وسیله ای علیه کشورهای دیگر گرفته و میسوزد که همی جدی در راه احقاق حقوق خویش

اخیرا از طرف این گروهور نکسته گنام، رهبری حزب توده ایران رخود مینهد، ادعا نامه علیه نصیری رئیس سازمان امنیت و اطلاعات کشور (سواک) صادر شده که رادیوی بیگ ایران را به اطلاع شنوندگان خود رسانید. در این ادعا نامه از استان دیوان کشور خواسته شده است که نصیری را با نهایت جنایاتی که سازمان تحت مسئولیت او نسبت به مردم ایران مرتکب میشود به کاش بکشند و محکوم کند. در ضمن به استان دیوان کشور نیز هشدار میدهند که در صورت عدم اقدام این کار در برابر مردم ایران مسئول شناخته خواهد شد.

یک آن تصور کنید: در استان دیوان کشور که خود در دست ساز امنیت موجود زین و بیچاره است باید رئیس سازمان را که مستقیما با شاه سروکار دارد و منخست وزیر هم با آنکه معاون اوست حساب پس نمیدهد. به کاش که فرخواند و بگیرد رسانند.

در هله اول اینطور بنظر میرسد که این ادعا نامه از طرف کسانی صادر شده که از هم مجاب و هم چیز بخرانند، در عا لوه و یا سمر میرزند، یا با وضع ایران و جهان مانند سابق "گرش کیمانی" دارند. شاید این آقایان تجربه گذشته تاریخ را زیاد بردهند؟ بینید در گزارانی فقید در ادگاه تاریخی ۵۳ نفر از قوه قضائیه چگونه یاد میکند. او خطاب بقضات میگوید: شما اهمیت قوه قضائیه را نازل داد. در میان رایی از شعب شهربانی قرار دادید. شما بجای آنکه شهربانی طبع او را شما باشد شما مجری او امران هستید و سیاست از روی اخلی شهربانی هم هیگ ضعیف شما را مانند هلف در مقابل باد میبلانند. . . . یکی از این اهمیت ترین ما مورین اداره سیاسی که قبل از خود را مستطقی مینماید و من آنها را نامستطقی مینام گفت: " محکمه سکه کباید بد و ن اجاز و شهربانی کسی را تهرت می محکوم کند. . . . آیا اکنون وضع قوه قضائی طور دیگر است؟ آیا امروز سازمان امنیت بیش از شهربانی مختاری جریانات کشور از نظر نژاد، بیش از دوران که شرفتمسال مایشا نیست؟ نه، هر کس که اندکی بوضع ایران آشنائی داشته باشد بخوشی میداند و میفهمد که چنین ادعاهای بقیه در ص ۳

### دست جلاد از جان میهن پرستان کوتاه!

# امریکا - پلیس جهانی

شرح زیرین که عیناً از روزنامه لس-آنجلس مورخ ۱۰ نوامبر ۱۹۷۱ ترجمه میشود افشاگر شیوه های جدیدی است که امپریالیسم آمریکا در ایفا نقش پلیس جهانی بکار میبرد. در عین حال از ماهیت سازمان امنیت ایران بهره بر میگیرد. عنوان اصلی مقاله چنین است: "دکترین نیکسون و کسک به پلیس های خوارچینی".

اعلام میسه... بقیه از ص ۱. هیچ صفتی نیست که در خون به محمد رضاشاه افتاد داشته باشد. هیچ حزب، جمعیت سازمان، جبهه و گروهی نیست که در کارش با او همکاری داشته باشد. هیچ گروهی نیست که در تاریخ شهدای آن آماجگاه مریوط بقاوت در برابر رژیم پوسیده استبدادی و ساجدهت در سرنگونی آن است تاریخ مبارزه واحدی است. معتقدات سیاسی و مسلکی و مذاهب و حزبی و سازمانی شهیدان ایران هر چه بود است. همه آنها عملاً و نظریه عینی در جاده واحدی گام گذارده اند. در این امر بدیهی نمیتوان تردید کرد که گویا نیروهای کدبر در دشمن واحدی در ریکا دارند خواه و ناخواه و آگاهانه یا ناآگاهانه بسیار وحدت اند. از این جهت یسار شهیدان باید انگیزه وحدت همه مبارزان ایران باشد.

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توان و طیفه "خود" می شمارد که در این روز بزرگ شهیدان این همه جمعیتها، سازمانها، گروهها و افرادی که میمانند خواستار مبارزه برضد رژیم محمد رضاشاهانند پیام برادرانه بفرستند و ضرورت همکاری وحدت عمل در مقابل دشمن مشخص را تاکید کند. اکنون که سازمان امنیت و همچنین رژیم پوسیده پانامایی می کشند که سرکشی آید تلو تلو و سیاسی ایجاب کنند، مسایل فرضی نهضت ملی و ضد استعماری ایران را بر جبهه ای مشغول دارند و سازمان های تفرقه افکن برانگیزند. وظیفه ماست که تفرقه نشانی شود آنها را فاش گردانیم و همکاری و وحدت را بر جبهه ای تفرقه نشانی. این امر معنای زدودن گویا اختلاف فاضل و فاضل های متقابل گزافه و وابستگی های طبقه ای هر یک از نیروها و برجسته آگاه های سیاسی آنها میباشد. نیست. همکاری در مسائل مشخص هم اکنون میتواند در میان جمعیت ها، سازمان ها، گروهها و افرادی که میمانند خواستار مبارزه برضد رژیم پوسیده وجود آید. سازمان مارکسیستی - لنینیستی توان بنویسند خود پیوسته در ارتقاء این امر خواهد کوشید.

درود همه مبارزانی که ستارخ خلق را بالاتر و بالاتر از هر چیز می شمارند.

افتخار بزرگ انان سیاسی.

تابناک با یاد همه شهیدان راه خلق.

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توان

های آنجا در تایلا ند تربیت شده اند. ولی کک آمریکا منحصر به تربیت کارشناسان و مهندسان نیست. مهمات بسیار مدرن - وسائل مخابراتی اسلحه و وسائل حمل و نقل و غیره - نیز تحویل میدهد. از طرف دیگر نمیتوان مبالغه را که آمریکا میبرد از در قضا معین کرد زیرا که مسلماً بخش از بودجه وزارت جنگ آمریکا مصرف نیروهای پلیسی و یا شبیه پلیسی است. در هر حال مبلغی که "آژانس توسعه بین المللی" و وزارت دفاع آمریکا در سال ۱۹۷۱ - ۱۹۷۲ باین منظور در بر ویتنام خرج خواهند کرد مجموعاً سه برابر سال ۱۹۷۰ است بنا بر نوشته روزنامه نیویورک تایمز یک مقام عالی رتبه "آژانس توسعه بین المللی" اظهار داشته است: آمریکا بصورت پلیس جهانی، بمنحالی کاملاً قبیح این گمراهی در پی آید. این شیوه های مداخله البته از شیوه اعزاز از تن کم خرج تر است و کمتر چشم بخورد ولی جزئی از همان استراتژی حفظ نظام است

## برنامه فرهنگی شاه

فرهنگ مترقی ایران فرهنگ شاهان ایران نیست فرهنگ توده های خلق ماست که با دستهای توانای میلیونها مردم همین ما بنیاد گشته است. آنچه اسلا ف محمد رضاشاه در طول ۲۵۰۰ سال برپا کرد ربا و زو سیم وصله و انعام خرید و از سلسله ای ر از دودمانی به دودمانی رد نموده فرهنگ ارتجاعی طبقات حاکمه کورما بود است. انوشیروان و اوز دلت بیگانه را بر کک پیشرویی که در مقابل نثار هستی خویش میخواست فرزندش امکا آموزش داشته باشد ترجیح میداد. ناصر خسرو علی کک پهلایکوه و دشت متواری میگردد تا به خفت گرفتن در مقابل شاهان تن در نهد و اعوان و انصارش به جرم "ارتداد" قطعه قطعه میشوند. محمد رضاشاه بحق وارث خلف نرسی ها شاه سلطان حسین ها و ناصرالدین شاه هاست. ولی خلق ایران فرهنگی بر فنی و انقلابی دارد که زمانی راهنمای بهرام چوبینه بود و لحظه دیگر از جنبش دهقانی خرمینان سر در آورد بنیاد ای کاروانهنگر آغازین نگرش پاهای تخت نوشیروانی را بلرزاند و بساط فرژو مهاجمان را از ایران زمین برچید. این فرهنگ در دوران سلطه پهلوی با خون کومنیستهای قهرمان و رزندگان دلار و خلق ایران آبیاری گشته در تار و پود معنویات جامعه ما رسوخ نمود موافقتا گر جنایات امپریالیستها و نوکرانشان است. فرهنگ خلق مادر مبارزات شکوفان آرز ۳۲ و بهمن ۴۱ تجلی میکند. شهیدان دانشگاههای ایران تنها گوشه ای از مبارزات خلق و سیاست ضد فرهنگی رژیم ایران را آشکار مینمایند. بسیاری از معلمین و اساتید دانشگاهها بسیاری از نویسندگان و خبرنگاران، بسیاری از دانش آموزان و هنرمندان به شججه های سبعمانسه "امنیتی ها" اسیر گشته و یا جان داده اند.

فرهنگ ایران را در دربار سلاطین ایران تجوید میسه زندگی توده های خلق رجوع کنید که در ریاتی بیکران از فرهنگی غنی و انقلابیست.

سیاست فرهنگی رژیم ایران سیاستی ارتجاعی است. از طرف دانش آموزان را بوجه گمراهی شش ساله متوسطه زمین میکند و ظاهراً حق تحصیلات عالی را با دادن دیپلم برایشان قایل است و از طرف دیگر سد کنگر را بنا مینهد و غریبان شهریه را برقرار میسازد تا عده معدودی آتم از طبقات بالای جامعه جواز عبور کسب نمایند. روزی با تعیین حد اکثر سن روزی بسا

گذاردن شهریه های کلان روز دیگر بهمهانه عدم حفظ نظم دانشگاه توده بسیاری را از حق تحصیل محروم میسازد. در حقیقت که با دادن برگ بجان فرهنگ افتاد هاست "سیاه دانش" برپا میکند و مدعی بر افتادن بیسوادی در ایران است. همینکه دولت ایران از زبان خواهر تومان شاه مدعی ساختن ۲۵۰۰ مدرسه برای یاد بود جشنهای ۲۵۰۰ ساله میشود. بر واقع اعتراف میکند که سالها در زیر سلطه شوم پهلوی ۲۵۰۰ مدرسه کسر

رهبران آمریکا که در فرصتی تکرار می کنند که تصمیم گرفته اند دیگر زاندارم جهانی نباشند روز بروز بیشتر به سازمان دادن پلیس کشورهای دیگر، به پرورش آن و تقویت مالی آن مشغول اند. قسمت مهم این "کک قتی" بوسیله "کک قتی" از "آژانس توسعه بین المللی" میباشد و بوسیله فرهنگستان بین المللی پلیس "بعمل می آید و این هردو موسسه در ۱۹۶۲ - ۱۹۶۳ بدست کندی بنیاد گذاری شده اند. در آغاز صحبت از آن بود که بطور عمده به تحکیم رژیم های "دوست" در آمریکا لاین کک شود ( فرهنگستان مذکور در اول فرهنگستان پلیس قاره آمریکا نامیده میشود) ولی اینک فعالیت مذکور بر سی و یک کشور شامل گشته است و دوسوم بودجه این کک در سال مالی ۱۹۷۱ - ۱۹۷۲ به آسیای جنوب شرقی خواهد رسید.

سلسله رویم رفته ۱۱۰ هزار پلیس در سراسر جهان بطور مستقیم یا غیر مستقیم با "فرهنگستان بین المللی پلیس" سرو کار دارند. فرهنگستان مذکور از سال ۱۹۶۲ تا ازنویه ۱۹۷۰ قریب سه هزار و پانصد کارشناس حفظ نظم تربیت کرده است. بیش از دو هزار نفر دیگر در موسسات مختلف آمریکا که متخصص مراقبت اعالی هستند آموزش و پرورش دیده اند اخیراً وزارت خارجه آمریکا نطقی را که آقای الکسیس جونسون، معاون امور سیاسی آن وزارتخانه روز ۱۳ اوت در "فرهنگستان بین المللی پلیس" ایراد کرده منتشر ساخته است

بعقیده آقای جونسون که خود در تاسیس این مدرسه شرکت داشته "فرهنگستان بین المللی پلیس" تجسم افکار و نظریات آقای نیکسون رئیس جمهور آمریکا است. وی میگوید: "دکترین نیکسون برادر بزرگ این کک را تاکید میکند که کشورهای دریافت کننده کک باید خودشان به بهبود کار خویش کک برسانند. وی همچنین میگوید: ملت های مختلف باید از خود دفاع کنند و پلیس باید نقش بزرگی ایفا کند. پلیس "بازترین مظهر اقدام دولتی است". زیرا که دولت "دو وظیفه مهم دارد: حفظ نظم و دفاع از جان و مال". "طبیعتاً پلیس باید اولین کسی باشد که مسائل مربوط به نظم داخلی را حل کند و اولین کسی باشد که علامت ناراضماندی مردم را برپا کند."

آقای جونسون با زهم اظهار داشته است: "این کک دولتی بوسیله زور سرنگون شود و اذیت کوچکی از فعالان اجتماعی بر سر کار بیایند پدیده تازه ای نیست. پدیده تازه ایست که این گونه کارها را بتوان از خارج ترفیض و پیشتیانی و نظارت کرد."

بسیاری از نمایندگان آمریکا و از آن جمله سناتور جرج کک به پلیس رژیم های دیکتاتوری را شدیداً محکوم ساخته اند. ولی مخالفان آنها بر اهمیت این کک و بر اینکه کارشناسان پلیس آمریکا "از جنگ های بلیوی تا کوهستان - های پربرفی ایران" در معرض خطراند تکیه می کنند. کک آمریکا به پلیس های ممالک دیگر در خاورمیانه، در افریقا، در آمریکای لاتین و طبیعتاً در جنوب شرقی آسیا احساس میشود. در هنگامی که برنامه "وینامی کردن" بسرعت انجام میگردد

ایجاد دستگاه عظیم و موثر پلیسی در ویتنام جنوبی، بصورت هدف مهم و اشنگن در آمده است. همه کمیته اند که عملیات موسوم به مستدر که تحت عنوان "ایجاد آرامش" صورت گرفت چه دامنه وسیعی داشت. در طی این عملیات فقط در سال ۱۹۷۰ ۱۵۳۰۰۰ نفر بازداشت شدند و چندین ده هزار نفر از دهقانان از سال ۱۹۶۸ بعهد در شرایطی که در خود آمریکانیز محکوم شد بقتل رسیدند. آمریکائیان باید در سال مالی جاری به ۱۲۴ هزار پلیس کک برسانند و آموزش بدهند (برنامه ای که ۱۸۰۰۰ دلار خرج برمیآورد) و نیز باید مخارج ساختن و یا تجدید ساختمان زندانهای را بپردازند که هم اکنون قریب ۳۵۰۰۰ جا دارد. آمریکائیان در تایلان بر مساعی خود

می افزایند (یعنی ۹ میلیون دلار خرج میکنند) تا بتوانند علاوه بر هدف های دیگر به ساختن ۱۰۰۰ پست پلیس ناقل آید. در لافوس نیز تقدم با حفظ نظم است و هدف های از پلیس -

بود هاست. این اعتراف همچین حاکمی از آنست که در حین تبلیغات کرکنند مبارزه با بیسوادی، تعداد "ناچیز" کمبود ۲۵۰۰ مدرسه را مکوم میداشته اند و روزی که در میدان تبلیغاتی دور برداشته و در رفاهی گذشته را فراموش نموده اند اعلام میدارند که تعداد مدارس به ۴۰۰۰ خواهد رسید. این اعتراف ثانوی، دیگر نیازی به تفسیر ندارد و مبین آن است که تا چه حد در دعو و خیانت غرق گشته اند. کمبود ۴۰۰۰ مدرسه داغ تنگی است بر پیشانی رژیم که میبایزدها را از قوت زحمتگشان میهن ما خارج بفسحکه تخت جمشید میکند. طاعت بیسوادی، قزو بد بختی در خیانت در بار پهلوی، در سیستم حاکم بر ایران نهفته است. بر افکنن بیسوادی تنها از طریق نابودی رژیم حاکم در ایران میگردد.

وقتی که ۷۰ هزار دیپلمه را بچرم دارا بودن حق تحصیلات عالی از ادامه تحصیل بطرق مصنوعی محروم میکنند و از رفتنشان بخارج نیز جلو میگیرند، سخن تاسیس هزاران مدرسه مانند نما اکاندیب رژیم سخن بیخ و توخالی است. اما خلق هوشیار ما به این تهرات باور ندارند. واقعیتمدارس پایتخت را می بیند که اگر از نعمت میز و صندلی، یک بخاری گرم، داشتن یک تخت سیاه قابل استفاده محروم اند. او می بیند که کلاسهای ۶۰، ۷۰ نفری، شهریه های گران مغایر سینه چاک کتی رژیم برای فرهنگ و بر افکنن بیسوادی است. او می بیند که ریختن خون خانعلی ها مانع ارتقا" درجه شهرستانی" ها نیست. تظاهرات سال گذشته دانش آموزان و دانشجویان جواب کوبنده های به سیستم ضد فرهنگی رژیم ایران است. درهای بسته دانشگاهها ایران در سالی که گذشت، اشغال نظامی آنها و تیرباران دانشجویان دانشگاهها مبین سیاست ضد فرهنگی رژیم است

ونه ادعای ساختمان ۲۵۰۰ مدرسه، اخذ نهبهای جدید رژیم برای چند شعبه عیش و نوش که از آنها در افسانه های هزار و یکشب سخن آمده، فشار مادی و معنوی بی حدی که بر خلق ایران تحمیل نموده اند، آرامش قبل از توان است. این تافته بدست رژیم بافته، بی تردید کفن آبی او خواهد بود.



# از چاله بچاه

که در واقع افزودن و دست کردن در بند های امارت خلق بنگال است  
صفتها .  
اما این هنوز تمام نیست . بر طبق تخمین هایی که زد میشود  
برای آنکه اقتصاد بنگال شرقی که بر اثر بلا های طبیعی و جنگ آسیب  
فراوان دیده " احیا " شود مبلغی بیش از بیلیارد دلار ضروری است  
که کسلینگ های داراگان این دسترسند دارند . اینست که اساساً  
و عواطف " بشردوستانه " امپریالیست ها و از آن جمله اتحاد شوروی  
بخلیان آغده است . آنها از هم اکنون آماده گی خود را برای کمک  
به اقتصاد و رشکستوها زده میکنند بنگال شرقی اعلام میدارند و در  
این راه هر یک میکوشند بود بزرگی سبقت گیرند . ماهیت " کسلیک "  
امپریالیست های آنقدر روشن است که نیاز به توضیح ندارد . پیسه  
این ترتیب دولت بنسپار " آزاد " و " مستقل " بنگال هنوز بدست نمی آید  
هند بد نیامده که رفتار امارت سیاسی ، اقتصادی و نظامی . . .  
یک مشت دولت توسعه طلب امپریالیستی است که برای استعمار  
خلق ۷۵ میلیونی بنگال شرقی کمر همت بسته اند . حتی روزنامه  
لهوموند این واقعیت را نمیتواند پنهان کند که " خلق بنگال " فقط  
استثمارگران خود را عوض میکنند .

تجاوز هند به پاکستان ، تجاوزی که با تشویق و کمک نظامی همه  
جانیه شوروی انجام گرفته ، آشکارا سرشت کشور شوروی را شبانیه  
امپریالیسم توطئه ور ، امپریالیسم برتراتب خشن تر و بی رحمانه تر ،  
امپریالیسمی که مانند امریکا خیال خاسته تسلط بر سر اسر جهان را در سر  
می بروراند نشان داد ، نشان داد که در رشت نقاب " سر رشته  
صلح و سوسیالیسم " چه چاره رین خون آشامی نهفته است . امپریالیسم  
شوروی در جریان حوادث سالهای اخیر نشان داد که برای  
حفظ توسعه مناطق نفوذ خود از هیچ وسیله ای روی گردان نیست  
از تجاوز و مستقیم آنچنان که در چکسلواکی پیش آمد ، از توسل به  
کودتای نظامی آنگونه که در سوئد انجام کرد ، از تجاوز و واسطه  
باز مت भारतان خود آنطور که تجاوز به پاکستان صورت گرفت ، از  
رافضه اقتصادی ، نظامی و سیاسی بد انسان بقیه در صفحه ۳

دولت متجاوز توسعه طلب هند پس از تجاوز آشکاره به کشور  
همسایه خود پاکستان و تصرف بنگال شرقی از راه جنگ خسروین  
عروسکی را کف خود ساخته بر بد اخته ، بنام دولت " مستقل " بنگال  
با هواری های نظامی از کمک میدهد . کاخمل کرد ، بر سر دست حکومت نشا و  
آن را بنیانه " دولت جدید " الولاء به ای بر سمیت شناخت . اکسین  
در قستی از سرزمین پاکستان و ولتی " آزاد " و " مستقل " از حاضر دولت  
مویز و رگکو به دولت سوهارتو و راند و نزی ، دولت هوساک و  
استر توکال بچکسلواکی و البته دولت " آزاد " و " مستقل " شاه در  
کشور خود مان یا بصره وجود گذاشته است .  
البته این مایه اولیاد تازه برای ادامه حیات احتیاج به ایگانی در اد  
کوار از برمال خود بگیرند و از گزند حوادث مصون دارند . بیسه  
نیست که دولت هند هم اکنون اعلام داشته است که ارتش بی تسلا  
عماری شدن " وضع در بنگال " همچنان در این سرزمین باقی خواهد  
ماند . امروز همه که معنی عماد ی شدن " اداری باید " ارتش  
سوسیال امپریالیسم شوروی رنگ می کشیانه مانند بلا آسمانی بر سر  
خلق چکسلواکی نازل شد و مراد مین کشور " آزاد " و سوسیالیسم  
باز رفغان آور اعلام است که پس از محاربت ی شدن " وضع خاک این  
کشور ارتک خواهد گشت . اکنون سمبال و نیم از آن تاریخ میگردد و  
چکسلواکی همچنان در اشغال ارتش اشغالگرو شوروی است باین  
علت کنگوا وضع هنوز بحال عادی باز نگشته است و با احتمال قوی باین  
زود پیدا و شاید هم مرکز بحال عادی باز نخواهد گشت .

برای شناخت سرشت دولت پوشالی بنگال کافی است پیسه  
حامیان و تابید کنندگان آن نظری بیفکندید در دلشارتگی هند ، سود  
سیال امپریالیسم شوروی ، دولت اسرائیل ، امپریالیسم انگلستان ،  
امپریالیسم ژاپن ، امپریالیسم فرانسه و البته رخت " امپریالیسم  
امریکا . چنین است آن دولت " آزاد " و " مستقل " کنگما پیرو های  
ارتجاعی ، ضد انقلابی و استعمارگر جهان ولادت آن سر شهیت  
میگیند . بد پیسه است خلق بنگال را بچین " آزاد " و " استقلال "  
بچین و ولتی پوشالی نیازی نیست و بریر در اصل لنین " حق  
ملت ها در تعیین سرنوشت خویش " نمیتوان بر این " آزاد " و استقلال

## افسانه عظیم سد ها

ما با رها شد کرشمه " ایم کسد های بزرگی که در ایران بوجوه  
آید و وسیله " لاف و گراف محمد رضا شاه است بدست شرکت های  
امپریالیستی و بر اساس منافع خود آنها طرح برین شده است .  
امپریالیست ها میلیون ها دلار را با بی توام ، از رفته کسی بغروش  
مصالح ساختمانی ، نظارت در ساختمان و غیره مخیره سود برد  
ایتک نین بهترین زمین های آبیاری شده را بنام " واحد های کشت  
و صنعت " در اختیار خود گرفته اند و وفارت و استثمار اد امید هند  
سد ها که در هم آهنگی با سایر رشته های اقتصاد ایران و با توجه به  
منافع دهقانان زمینکش ساخته میشوند بوجه بسیار گدافه نهر بندی های  
لازم است غالب آب و برق خود را بپد روی هند و نورین های برخی از  
آنها چون کارخانه رستند در انرا کثرا خواهد بود . بعضی  
از دریاچه های که سد ها بوجود آورده اند وسیله تفريح معدودی  
از نو رند ان است ولی هیچ یک از آنها بطش زمین های سوخته  
دهقانان تهیدست ایران را فروزن نشانده است .

این موضوع را گاه گاه برخی از فاعا ترسی و ولتی نیزیاترس  
لرز بریزان را ندانند . از ان جمله وزیر درگستری در ده سال پیش  
در مصاحبه ای گفت : " در قسمت کشاورزی ، بیشتر اعتبارات مصرف  
ساختن سد های بزرگ شد و مبلغ هنگفتی بابت مطالعات مهندسی  
مشاوران ، سد و بند و ناینگه مطالعه در باره " هنرفه های جاری  
مربوط به بار داد و نگهداری آنها شده باشد و مسائل مربوط به بار  
فروش آب و تشکیل سازمان آب و هنرینه نگهداری شیکه های  
آبیاری و فروش نیروی برق حل نشده و هنرینه پیش بینی شده سد ها  
بزرگ توسط مهند سین مشاور عملا چند برابر شده . . . و نتیجه  
تخصیص قیمت اعظم اعتبارات آبیاری ساخته سد های بزرگ ،  
این شده است که اعتبار کافی برای اجرای طرح های مربوط به  
حفره های عمیق و کج و کمق و احد اث تفاوت جدید و تنقیه قنوات  
قدیم که بمراتب ارزان تر و جلی ترا ساخته سد های بزرگ است  
باقی نماند " ( اطلاعات ۱ بهمن ۱۳۴۰ ) .

مجله " اطاق بازگانی در شماره شهریور ۱۳۴۱ نوشت  
" با تمام ساختمان سد های که بر برنامه عمرانی در پیش بینی  
شده است بیش از ده درصد بسطح اراضی قابل کشت افسزده  
خواهد شد . . . حفره های عمیق و کج و کمق و احد اث تفاوت  
جدید و احیا قنوات قدیمی باقی میماند ساخته سد های بزرگ شناید  
بمراتب ارزان تر و جلی تر باشد "

اینگ برای آنکه افضت سد سازی حرکت کرد تا نمایان تر کرد  
گوشه ای از سرگشت شد محمد رضا شاه را با استناد به مجله " تهران  
الگو نویست " مورخ ۸ ابان ۱۳۵۰ از نظر خوانندگان گرامسی  
میگردانیم :  
" ساختمان سد محمد رضا شاه امپروزی بود خانه " در ( در خور ستان  
در ۱۳۳۶ بازگفتن و این مبلغ ۳۱۵۰۰۰۰۰۰۰۰ زبان انسان  
بین المللی بوسیله پیمانکاران آلمانی آغاز شد . پس از ده سال سن  
بپایان رسید و شاه آن را گشود . " هنگام کشایش سد شاهنشاه  
آب بار میزد تا بعد دریاچه نیلی بزرگ ، تاج مدر و خوش حالت و  
در چه های آن خیر شدند . " در گزارش در گزر بد که " از سرک  
حدت این سد ۲۵ هزار هکتار زمین سه زخم خواهد شد وزیر  
کیت خواهد رفت " .  
" از آن روز به سال گذشته است ، در ده سال پیش شروع بود . زیرا  
تا سه سال بعد از آن روز ، نعتنیا هرگز آب سد به ۲۵ هزار هکتار  
زمین جاری نشد بلکه مانند سابق مستقیماد اخل خلیج فارس بریخت  
و بد آنکه برای زراع پیش بینی شده آران استفاده شود . سال  
۱۳۴۴ سطح زیر کشت سد به ۲۲ هزار هکتار رسید و تا دو سال در  
همین رقم متوقف ماند . . . سال ۱۳۵۰ پس از ده سال کار کشایش  
سد گشته است سطح زیر کشت نزدیک به صد هزار هکتار رسیده  
است در حالی که سد سال پیش باید سطح زیر کشت ۲۵ هزار  
هکتار میشد .  
در اینجا اضافه کنیم که آن قسمت از اراضی زیر سد که زیر کشت رفته  
در دست شرکت های امپریالیستی است کنگا برخی از آنها تا اکنون  
در گوشه و کار جرافد منتشر شده است ، از این قرار : بقیه در ص ۳

## تبهکاران امریکائی در هندو چین

امپریالیست های امریکا بارد یکرحملات هوایی وسیع خویش را بر سر  
سرزمین جمهوری و مرکز آن ویتنام آغاز کردند . هدف این حملات  
بنابرای محال نظامی امریکایبارت بود از نقاط سوق الجیشی  
ولی در حقیقت آنچه مورد بمباران قرار گرفت مثل گذشته مناطقی  
مسکونی ، کارخانجات ، مدارس ، بیمارستان ها و غیره بود . علت  
این اقدامات در منشا " امپریالیست ها چیست ؟  
واقعیت اینست که امپریالیسم امریکا با این تلاش مد بوحانه  
میگردد موقعیت نظامی خویش در هندو چین را بهبود بخشند  
نیروه های انقلابی ویتنام ، کامیوج و لائوس در ماه های اخیر سر سه  
نیروه های امریکائی و ارتش های ارتجاعی محلی تلفات فراوانی وارد  
ساختند و بوقیقت های جدیدی کسب کردند . امپریالیسم امریکا  
که از سال ۱۹۶۸ نقشه ویتنامی کردن جنگ هندو چین را بموقع  
اجرا گذاشته و بدین منظور بمباران دانی ویتنام شمالی را الا قبل  
بطور رسمی موقوف ساخته بود ، بخصوص در سال گذشته هندو چین  
نقشه خویش بی برد . امپریالیست ها گمان میکردند که با گذشتن  
بار جنگ به دوش ارتش ارتجاعی ویتنام جنوبی وسایز ارتش های  
ارتجاعی هندو چین ، به جنگ هندو چین سیمای جدیدی خواهند  
بخشید ، از تلفات نیروهای امریکائی خواهد گشت ، و افسکار  
عمومی جهان در چار این شبهه مخواهد شد جنگ و جنگ امریکا  
و آسیانیت ، جنگ آسیاتپها با آسیاتپها است . ولی این نقشه  
امریکا از سال ۱۹۶۸ تاکنون هرگز نشانهای از موفقیت نداشته است ،  
یا گذشتن بار ریشتر جنگ به دوش ارتش های ارتجاعی ، تلفات این  
ارتش ها افزایش یافت بدون اینکه از تلفات نیروهای نظامی امریکا  
بظرف قابل ملاحظه ای کاسته شود . افکار عمومی جهان نیز هرگز  
قرب تبلیغات جنگ افروزان را نخورد و چنین گمانی بخور راندند  
که امپریالیسم امریکا صلح در هندو چین راند ارنکی بیند ، خلقهای  
هندو چین نیز مصمنا تم جنگ انقلابی خویش را امداد اند . نیز  
او ا خرامه سامبر ارتش انقلابی لائوس بنابه اعتراف دولت ارتجا  
لگوس به تعرض خویش امداد او در منطقه نظامی ارتش ارتجاعی

### گرامی باد پیاد نیو باران شدگان وهمه شهیدان !